



دانشگاه سیم نور
په

جامعه شناسی ایلات و عشایر

(رشته علوم اجتماعی)

دکتر رسول ربانی

دکتر یعقوب احمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

نه	پیشگفتار
۱	فصل اول. تعریف مفاهیم
۱	هدف کلی
۱	اهداف یادگیری
۲	۱-۱ عشایر
۳	۱-۱-۱ عشایر کوچنده
۳	۱-۱-۲ عشایر نیمه کوچنده
۳	۱-۱-۳ عشایر رمه گردان
۳	۱-۱-۴ عشایر اسکان یافته
۴	۲-۱ ایل
۵	۳-۱ طایفه
۶	۴-۱ تیره
۶	۵-۱ بنکو
۶	۶-۱ خانواده
۸	۷-۱ کوچ
۸	۱-۷-۱ معانی لغوی کوچ
۹	۲-۷-۱ شکل های کوچ
۱۱	۸-۱ تفاوت های اصلی بین کوچ عمودی و افقی
۱۲	۹-۱ انواع کوچ
۱۲	۱-۹-۱ برون کوچی
۱۲	۲-۹-۱ درون کوچی
۱۲	۳-۹-۱ کوچ سستی
۱۲	۴-۹-۱ کوچ ماشینی
۱۳	۱۰-۱ انواع کوچندگان

۱۳	۱-۱۰-۱ کوچنده مطلق (دائم)
۱۳	۲-۱۰-۱ نیمه کوچنده
۱۴	۳-۱۰-۱ پاره کوچنده
۱۴	۴-۱۰-۱ دامپوری ساکن
۱۴	۱۱-۱ کوچ نشینی
۱۶	۱-۱۱-۱ کوچ نشینان شبان
۱۸	۱۲-۱ ایل راه
۱۹	۱-۱۲-۱ قشلاق
۱۹	۲-۱۲-۱ ییلاق
۲۰	۳-۱۲-۱ یورد (یورت)
۲۱	۱۳-۱ مرتع
۲۱	۱۴-۱ صنایع دستی
۲۲	خودآزمایی فصل اول

فصل دوم. نظریه‌های موجود در باب جامعه عشایری

۲۵	هدف کلی
۲۵	اهداف یادگیری
۲۶	۱-۲ ابن خلدون
۲۸	۲-۲ منتسکیو
۲۹	۳-۲ اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸م)
۳۰	۴-۲ هربرت اسپنسر (۱۸۲۰-۱۹۰۳)
۳۰	۵-۲ امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸)
۳۱	۶-۲ ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴)
۳۲	۷-۲ رابرت ردفیلد
۳۲	۸-۲ فردیناند تونیس
۳۳	۹-۲ نظریه‌های مردم‌شناسان و انسان‌شناسان
۳۴	۱-۹-۲ هنری لوئیس مورگان (۱۸۱۸-۱۸۸۱)
۳۵	۲-۹-۲ ادوارد بارت تیلور (۱۸۳۲-۱۹۱۲)
۳۶	۳-۹-۲ جولیان استیوارد
۳۶	۴-۹-۲ برانیسلاو مالینوفسکی (۱۸۸۴-۱۹۴۲)
۳۷	۱۰-۲ جمع‌بندی مباحث نظری درباره جامعه عشایری
۳۷	۱-۱۰-۲ بعد ساختاری- کارکردی
۴۰	۲-۱۰-۲ بعد دوم: سرمایه اجتماعی
۴۲	۳-۱۰-۲ بعد سوم: تضادهای جامعه عشایری
۴۶	۱۱-۲ جامعه عشایری ایران: تبیین نظری
۴۸	خودآزمایی فصل دوم

۵۱	فصل سوم. ویژگی‌های جوامع کوچ‌نشین ایران
۵۱	هدف کلی
۵۱	اهداف یادگیری
۵۱	۳-۱ مقدمه
۵۴	۳-۲ شکل‌های زیستی و معیشتی ایلات ایران
۵۶	۳-۳ علل و انگیزه کوچ‌نشینی در ایران
۶۰	۳-۴ تقسیم‌بندی کمی ایلات ایران
۶۰	۳-۴-۱ ایلات بزرگ
۶۰	۳-۴-۲ ایلات کوچک
۶۱	۳-۵ جمعیت‌شناسی کوچ‌نشینان ایران
۶۴	۳-۵-۱ نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده گروه اول
۶۵	۳-۵-۲ نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده گروه دوم
۶۵	۳-۵-۳ نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده گروه سوم
۶۶	۳-۵-۴ نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده گروه چهارم
۶۷	۳-۶ سازمان ایلی ایلات ایران
۶۹	۳-۷ قشربندی اجتماعی
۷۰	۳-۷-۱ ایلی‌های بدون قشربندی (شامل اجتماعات کوچک ایلی‌ها و طایفه‌ها)
۷۰	۳-۷-۲ ایلی‌های دارای قشربندی که در دو دسته قابل شناسایی هستند.
۷۴	۳-۸ شیوه‌های امروزی زندگی کوچ‌نشینان
۷۵	۳-۹ ساختار اقتصادی
۷۷	۳-۱۰ تقسیم کار و وضعیت اشتغال کوچ‌نشینان
۷۸	۳-۱۱ داد و ستد و مبادله در میان کوچ‌نشینان
۸۰	۳-۱۲ تاریخ سیاسی عشایر
۸۵	۳-۱۳ فرهنگ کوچ‌نشینان
۸۵	۳-۱۳-۱ ویژگی‌های دینی و باورها
۸۶	۳-۱۴ نظام خویشاوندی در جامعه‌های ایلی ایران
۸۷	۳-۱۴-۱ خانواده
۸۸	۳-۱۴-۲ ازدواج
۸۹	خودآزمایی فصل سوم
۹۱	فصل چهارم. ایلات و عشایر کرد
۹۱	هدف کلی
۹۱	اهداف یادگیری
۹۱	۴-۱ مقدمه

۹۳	۲-۴ ایلات و عشایر کرد ایران
۹۴	۳-۴ ایلات و طوایف استان کرمانشاه
۹۶	۴-۴ خانوار و جمعیت
۹۷	۵-۴ ایل راه‌های استان
۹۸	۶-۴ ایل کلهر
۹۸	۱-۶-۴ وجه تسمیه
۹۹	۲-۶-۴ قلمرو و زیستگاه ایل
۱۰۱	۲-۶-۴ ایل راه و مناطق بیلاق و قشلاق کلهر
۱۰۱	۳-۶-۴ کلهر در پویه تاریخ
۱۰۲	۴-۶-۴ ساخت ایلی در ایل کلهر
۱۰۳	۵-۶-۴ طوایف ایل کلهر و مناطق زیست آن‌ها
۱۰۴	۶-۶-۴ سازمان سیاسی و سلسله مراتب قدرت
۱۰۵	۷-۶-۴ سازمان خویشاوندی در ایل کلهر
۱۰۷	۸-۶-۴ انواع خویشاوندی در ایل کلهر
۱۰۸	۹-۶-۴ انواع خانواده
۱۰۹	۱۰-۶-۴ کارکردهای خانواده در ایل کلهر
۱۱۰	۱۱-۶-۴ جایگاه اقتصادی خانواده در ایل کلهر
۱۱۱	۱۲-۶-۴ تحولات خانواده در ایل کلهر
۱۱۲	۱۳-۶-۴ انواع ازدواج در ایل
۱۱۴	۱۴-۶-۴ پوشاک سنتی زنان کلهر
۱۱۵	۱۵-۶-۴ پوشاک مردمان ایل
۱۱۶	۱۶-۶-۴ پوشاک سنتی مردان کلهر
۱۱۶	۱۷-۶-۴ دلایل گسترش یکجانشینی در ایل
۱۱۷	۷-۴ جمع‌بندی
۱۱۹	خودآزمایی فصل چهارم
۱۲۱	فصل پنجم: ایلات و عشایر ترک
۱۲۱	هدف کلی
۱۲۱	اهداف رفتاری
۱۲۱	۱-۵ مقدمه
۱۲۲	۲-۵ ایلات و عشایر ترک
۱۲۳	۳-۵ ایل قشقایی
۱۲۵	۱-۳-۵ مفهوم قشقایی
۱۲۶	۲-۳-۵ زبان، نژاد و مذهب
۱۲۶	۳-۳-۵ جمعیت ایل
۱۲۷	۴-۵ طایفه‌های قشقایی

۱۳۳	۵-۵ ساختار سیاسی ایل
۱۳۴	۶-۵ پوشاک ایل
۱۳۶	۷-۵ موسیقی قشقایی
۱۳۶	۸-۵ چادر در ایل قشقایی
۱۳۷	۹-۵ بافته‌های قشقایی
۱۳۹	۱۰-۵ طرح‌های قالی قشقایی
۱۳۹	۱۱-۵ جمع‌بندی
۱۴۰	خودآزمایی فصل پنجم
۱۴۱	فصل ششم. ایلات و عشایر لر
۱۴۱	هدف کلی
۱۴۱	اهداف رفتاری
۱۴۱	۱-۶ مقدمه
۱۴۳	۲-۶ ایلات و عشایر لرستان
۱۴۴	۳-۶ ایل بختیاری
۱۴۵	۴-۶ تاریخچه و نژاد ایل بختیاری
۱۴۵	۴-۶ ۱-زمینه‌های تاریخی و وجه تسمیه
۱۴۶	۵-۶ سابقه کوچ‌نشینی
۱۴۷	۶-۶ ساختار ایلی
۱۴۹	۷-۶ نمادهای ایلی
۱۵۱	۸-۶ آداب و رسوم بختیاری‌ها
۱۵۱	۹-۶ عرف‌های مهم در میان بختیاری‌ها
۱۵۳	۱۰-۶ موسیقی
۱۵۳	۱۱-۶ صنایع دستی عشایر بختیاری
۱۵۶	۱۲-۶ مسکن عشایر بختیاری
۱۵۶	۱-۱۲-۶ بهون
۱۵۷	۲-۱۲-۶ لیر
۱۵۷	۳-۱۲-۶ تو
۱۵۷	۴-۱۲-۶ کپر
۱۵۷	۵-۱۲-۶ آلاچیق
۱۵۷	۶-۱۲-۶ ساخت
۱۵۸	۱۳-۶ پوشاک مردمان ایل
۱۵۸	۱-۱۳-۶ پوشاک مردان
۱۵۸	۲-۱۳-۶ پوشاک زنان
۱۶۱	۱۴-۶ ازدواج
۱۶۲	۱۵-۶ جمع‌بندی
۱۶۳	خودآزمایی فصل ششم

۱۶۵	فصل هفتم. ایلات و عشایر ترکمن
۱۶۵	هدف کلی
۱۶۵	اهداف یادگیری
۱۶۵	۱-۷ مقدمه
۱۶۸	۲-۷ زیستگاه اولیه ترکمن‌ها
۱۶۹	۳-۷ ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی ترکمن‌ها
۱۶۹	۱-۳-۷ نژاد و خصوصیات جسمانی
۱۶۹	۲-۳-۷ زبان و لهجه
۱۷۰	۳-۳-۷ پوشاک
۱۷۰	۴-۷ یورتگاه‌های ترکمن‌ها
۱۷۲	۵-۷ جمعیت و ویژگی‌های جمعیتی طوایف ترکمن
۱۷۳	۶-۷ بیلاق و قشلاق
۱۷۴	۷-۷ اعتقادات و باورها
۱۷۵	۸-۷ ایلات و طوایف ترکمن
۱۷۵	۱-۸-۷ ترکمن‌های عالی ایلی
۱۷۶	۲-۸-۷ ترکمن‌های چاودار
۱۷۶	۳-۸-۷ ترکمن‌های ارساری
۱۷۶	۴-۸-۷ ترکمن‌های ساریق
۱۷۷	۵-۸-۷ ترکمن‌های سالور (سالر)
۱۷۸	۶-۸-۷ ترکمن‌های تکه
۱۷۹	۷-۸-۷ ترکمن‌های یموت
۱۸۲	۸-۸-۷ ترکمن‌های گوکلان
۱۸۳	۹-۷ طوایف و قبایل مقدس ترکمن‌ها
۱۸۴	۱۰-۷ سازمان ایلی و تشکیلات اداری عشایر ترکمن
۱۸۶	۱۱-۷ اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی ترکمن‌ها
۱۸۸	۱۲-۷ چادر عشایر ترکمن
۱۸۹	۱۳-۷ صنایع دستی
۱۸۹	۱۴-۷ جمع‌بندی
۱۹۰	خودآزمایی فصل هفتم
۱۹۱	فصل هشتم. ایلات و عشایر بلوچ
۱۹۱	هدف کلی
۱۹۱	اهداف رفتاری
۱۹۱	۱-۸ مقدمه
۱۹۴	۲-۸ ایلات و عشایر بلوچ
۱۹۴	۳-۸ ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی ایلات بلوچ
۱۹۵	۱-۳-۸ میارجلّی (باهوت)
۱۹۵	۲-۳-۸ قول و تعهد
۱۹۵	۳-۳-۸ حشر و مدد

۱۹۶	۸-۳-۴ بَجَّار (کمک در امر ازدواج)
۱۹۶	۸-۳-۵ چَنَدَّه (کمک به امورات دینی)
۱۹۶	۸-۳-۶ دیوان
۱۹۷	۸-۳-۷ پَتر
۱۹۷	۸-۴ ویژگی‌های سیاسی اجتماعی بلوچ
۲۰۰	۸-۵ ویژگی‌های اقتصادی
۲۰۰	۸-۵-۱ ساختار اقتصادی
۲۰۱	۸-۵-۲ دامداری
۲۰۱	۸-۵-۳ زراعت و باغداری
۲۰۲	۸-۶ پوشاک ایل
۲۰۲	۸-۶-۱ پوشاک زنان
۲۰۳	۸-۶-۲ پوشاک مردان
۲۰۳	۸-۷ انواع موسیقی عشایر بلوچ
۲۰۷	۸-۸ طوایف و قبایل منطقه سرباز
۲۱۰	۸-۹ ایل‌ها و طایفه‌های بلوچ خراسان
۲۱۲	۸-۱۰ جمع‌بندی
۲۱۳	خودآزمایی فصل هشتم
۲۱۵	فصل نهم. ایلات و عشایر عرب
۲۱۵	هدف کلی
۲۱۵	اهداف یادگیری
۲۱۵	۹-۱ مقدمه
۲۱۷	۹-۲ قبایل و عشایر عرب
۲۱۸	۹-۳ ساختار سیاسی
۲۲۰	۹-۴ آداب و رسوم
۲۲۰	۹-۴-۱ فصل در میان عشایر عرب خوزستان
۲۲۳	۹-۵ موسیقی و نمایش عشایر عرب
۲۲۴	۹-۶ عشایر عرب: شاخه‌ها و طایفه‌های آن
۲۲۵	۹-۶-۱ عرب کمری
۲۲۵	۹-۶-۲ قبیله آل کثیر
۲۲۹	۹-۶-۳ قبیله کعب
۲۳۰	۹-۶-۴ عشیره آل بوگرد
۲۳۱	۹-۶-۵ قبیله بنی حراف
۲۳۱	۹-۷ جمع‌بندی
۲۳۲	خودآزمایی فصل نهم
۲۳۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳۹	فهرست منابع و مآخذ

شاید عنوان جوان‌ترین استاد دانشگاه برای دکتر رسول ربانی که در ضیافت الهی حج دعوت حق را لبیک گفت، خود گویای بسیاری ناگفته‌ها از مولف گرانمایه این اثر باشد
تقدیم به روح سبز و آرامش

پیشگفتار

شاید از ظهور رشته‌های علوم انسانی به منزله رشته‌های دانشگاهی چند صباحی بیش نگذشته باشد، اما در این مدت اندک نیز شاخه‌هایی از آن مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی پیشرفت فراوانی داشته‌اند. چنین رویکرد جدیدی به علوم انسانی بیانگر این مطلب است که در دوره مدرن زندگی بشر بر کره خاکی، رشته‌هایی از علوم که مرتبط با انسان و در مورد انسان هستند، بیشتر مورد عنایت قرار گرفته‌اند. این تغییر نگرش و رویکرد عمدتاً مربوط به عصر مدرن است که نقطه عطف آن مرکزیت انسان به عنوان موضوع دانش است.

جامعه‌شناسی یکی از رشته‌های تکوین یافته در چند قرن اخیر است. موضوع اصلی و البته چالش اصیل این رشته نوین، شناخت وضعیت انسان و به‌ویژه شناخت او در پیوند و ارتباط با دیگر هم‌نوعانش است. نخستین تلاش‌ها البته اگرچه تا حدودی مبهم و در سطحی انتزاعی صورت گرفته‌است، اما تلاش‌های واپسین با مفهوم موردنظر جامعه‌شناسی یعنی بررسی کنش‌ها و موقعیت‌های کنشی همخوانی بیشتری داشته‌اند. به هر حال از همان اوان شکل‌گیری این رشته، اندیشمندان مؤسس و مروج این شاخه جدید علم (از اگوست کنت تا دورکیم و ماکس وبر و دیگران) درصدد برقراری تمایز میان این رشته و سایر رشته‌های مرتبط با موضوع انسان برآمده‌اند و در این راه بر برگزیدن شیوه علوم طبیعی برای بررسی موضوع جامعه‌شناسی بر شیء‌انگاری واقعیت اجتماعی و ضرورت بی‌طرفی جامعه‌شناس تأکید ورزیده‌اند. یکی از نخستین این کوشش‌ها، تأکید بر این امر بود که وجه تمایز و صفت مشخصه جامعه‌شناسی بررسی

گروه‌ها و اجتماعات درون جامعه است که سایر شاخه‌های علم از بررسی آن عاجز بوده‌اند. از این رو پس از تحکیم پایه‌های اولیه جامعه‌شناسی، شعبات مختلف آن برای بررسی انواع گروه‌های متفاوت و متمایز درون جامعه شکل گرفتند. مطالعات پیرامون اجتماعات روستایی و شهری، سازمان‌ها و جامعه مدنی و خانواده و گروه‌ها و... همگی تحت شمول این ایده جدید یعنی جامعه‌شناسی انجام پذیرفت.

یکی از این شاخه‌ها و گرایش‌های نوپدید در باب بررسی گروه‌ها، واکاوی اجتماعات غیریکجانشین یا به سخن دیگر کوچندگان و بررسی روابط، کارکردها و عملکردشان بوده است. در این میان به‌ویژه شیوه زیست و تحرکات این اجتماع بیش از همه مطمح‌نظر جامعه‌شناسان قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که کوچ‌نشینی کهن‌ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ‌ترین جاذبه‌های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده است که ایلات و عشایر «دیدنی‌ترین جاذبه عصر فناوری» لقب گیرند.

عشایر به شیوه‌ای جذاب و باورنکردنی طی قرن‌ها و سال‌های طولانی به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود اقدام کرده‌اند و این اصالت به جاذبه‌ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است. مسکن عشایر و نوع زندگی‌شان، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس‌های محلی به همراه آیین‌های برگزاری جشن‌های عروسی و غیره از مهم‌ترین جاذبه‌های ایلات و عشایر است، اما بارزترین مشخصه آنان در اقصی نقاط این کره خاکی، شیوه زیستشان است که برخلاف یکجانشینان روستایی و شهری، در کوچ و نقل و انتقال دائمی سیاه‌چادرها و رمه‌ها خلاصه می‌شود. عشایر به علت داشتن دام مجبور به حرکت مداوم از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگرند. بر این اساس، یکی از خصایص ایلات و عشایر، کوچ و حرکت دائمی از مکانی به مکانی دیگر است و بسیاری در این وادی تا بدان حد پیش رفته‌اند که واژه کوچنده را بر عشایر ترجیح داده و آن را خصیصه مناسب‌تری برای توصیف این رمه‌داران بزرگ دانسته‌اند. به هر صورت علاوه بر ویژگی یاد شده خصیصه‌های مهم دیگری را می‌توان برشمرد که زندگی عشایر را از سایر اجتماعات مجزا و منفک می‌گرداند. نخستین خصیصه مربوط به ساختار سلسله مراتبی و منحصربه‌فرد عشایر هم در بعد اجتماعی و هم در بعد سیاسی است. ایل‌نشینان عموماً از بعد منزلتی در میان خویش دارای

سلسله‌مراتبی بوده‌اند و چنان‌که در این کتاب شرح آن خواهد آمد، این سلسله‌مراتب موجب واگذاری جایگاه اجتماعی فراتر برای پاره‌ای از اعضا و متابعت سایرین بوده‌است.

در زندگی ایلی علاوه بر تفکیک منزلتی، نوعی تفکیک براساس قدرت، البته نه به معنای کاملاً سیاسی، بلکه به معنایی که ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی از اقتدار و تابعیت رضایت‌مندانه از فرادستان مدنظر دارد، وجود داشته‌است. این سلسله‌مراتب قدرت سبب «مشروعیت» بعضی از افراد و متابعت پاره‌ای دیگر یا سروری عده‌ای بر دیگران شده‌است. ملاک‌های کسب قدرت و منزلت البته متفاوت و متنوع‌اند؛ از ریش‌سفیدی تا تعداد دام و تعداد فرزند همه عناصر شکل‌گیری منزلت‌ها و موقعیت‌های متفاوت‌اند. برای مثال در گذشته تصمیم‌گیری به‌خصوص در امور جمعی مانند جنگ و صلح و خون‌بس، کوچ و... با نظر بزرگان ایل و با صلاحدید آنان صورت می‌گرفت. هیچ‌کس بدون اجازه بزرگان قبایل نمی‌توانست مستقلاً اعمالی انجام دهد که آثار جمعی داشته باشد. در بسیاری از موارد دامنه نفوذ این سازوکار تا حد ازدواج و طلاق در درون خانوارها بسط می‌یافت.

ویژگی دیگر به شیوه بهره‌برداری اقتصادی و اتکا به دام نزد کوچ‌نشینان مربوط می‌شود. ساختار جامعه ایلی و شیوه زندگی آنها به گونه‌ای است که تنها شیوه امرار معاش و گذران زندگی از طریق دام و دامپروری است و بر این اساس نزد کوچ‌نشینان، دام محوری‌ترین عنصر معیشتی به‌شمار می‌آید.

علاوه بر این مشخصات عمده، در میان کوچ‌نشینان خصوصیات فرهنگی و اجتماعی بسیاری وجود دارد که دارای اهمیت بوده و پاره‌ای از آنها به شکل «تابو» درآمده‌اند. یکی از این ویژگی‌های فرهنگی جامعه عشایری، پابندی به آداب و رسوم و مقاومت در برابر هر نوع تغییر فرهنگی جدید بوده‌است. ورود مکانیزاسیون و صنعت، مشخصات عمده و عناصر بنیادی جوامع عشایری را دچار تغییرات بسیار گردانده و پاره‌ای صفات را بر جامعه عشایری افزوده یا از آنها کاسته‌است.

به‌طور کلی، لازم به یادآوری است که در ایران زندگی ایلی و کوچ‌نشینی پیشینه کهنی دارد و در گذشته بخش قابل توجهی از جمعیت کشور (در دوره‌هایی گاه کل جمعیت) را در برمی‌گرفته‌است. سابقه زندگی ایلی در ایران از هر زمانی که آغاز

شده باشد؛ هم به دلیل پراکندگی قومی و فرهنگی جامعه و هم به واسطه کوچروبودن بیشتر اقوام ایرانی به نوعی موجب به هم پیوستگی عشایر و قومیت‌ها در این سرزمین بوده است و این امر را می‌نمایاند که بررسی پیشینه قومی و خصایص فرهنگی- اجتماعی اقوام ایرانی پیش‌زمینه‌ای نیک برای توصیف و تحلیل جامعه کوچرو ایرانی است.

جامعه ایران و به تبع آن جامعه ایلی کشور متشکل از اقوام گوناگون با فرهنگها و زبان‌های متفاوت است که در سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منسجمی سامان یافته‌اند. بر این اساس هر یک از جوامع ایلی کشور، ویژگی‌های قومی، فرهنگی و زبانی مخصوص به خود دارد. در اسناد تاریخی و رسمی و در برخی از نوشته‌های تحقیقی و قوم‌نگاری‌های اخیر، گروه‌های ایلی- عشایری ایران بر مبنای خاستگاه قومی- زبانی طبقه‌بندی شده‌اند. در گذشته به منظور تحلیل و واکاوی جامعه ایلی ایران دسته‌بندی‌های متفاوتی از سوی اندیشمندان و نویسندگان متعدد صورت پذیرفته است؛ برای نمونه، مستوفی یکی از قدیمی‌ترین طبقه‌بندی‌ها از ایلات را در دوره صفوی در فهرستی از آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸/ق ۱۷۱۶م ارائه کرده است. طبق این طبقه‌بندی، ایلات به دو گروه بزرگ ایرانی و غیر ایرانی تقسیم شده‌اند و فهرست ایلات و طایفه‌های وابسته به هر یک از این دو گروه براساس توزیع جغرافیایی آنها آمده است. وی گروه «ایرانی‌الصل» را که با طایفه‌های دیگر نیامیخته بودند در شش فرقه یا طایفه «صحرائین» طبقه‌بندی کرده و نوشته است که این گروه در کوه‌ها و بزرگانیشان گاه در شهرها زندگی می‌کنند، این شش فرقه عبارت‌اند از ۱) لرها که ۱۱۱۸ جماعت‌اند و در ۴ طایفه بزرگ فیلی، لک و زند، بختیاری و ممیسنی (ممسنی) با یکدیگر درآمیخته‌اند؛ ۲) گروس، کلهر و مکر؛ ۳) کردهای خراسان که طوایف بزرگ زعفرانلو، سعدانلو، کوانلو (ظاهراً قوانلو) و دوانلو را در برمی‌گیرد؛ ۴) جلایر خراسان؛ ۵) قرانی؛ ۶) جلایی. مستوفی گروه «ایلات بیرونی» یا غیر ایرانی را که از سرزمین‌های دیگر به ایران آمده بودند به دو فرقه عرب و ترک تقسیم کرده است و شش طایفه از ترک‌ها را چنین برمی‌شمارد: ۱) افشار (شاملو، قرخلو و سروانلو)، بیات و دنبلی؛ ۲) قاجار و قجر؛ ۳) قشقایی؛ ۴) زنگنه؛ ۵) قراگزلو؛ ۶) شاه شیون (شاهسون). فرقه عرب را نیز به شش طایفه چعب (کعب)، عرب حویضه (حوزه، هویزه)، عرب فارس، عرب

میش‌مست خراسان، عرب زنگویی و عرب کمری تقسیم کرده است. مبنای این تفکیک اگرچه خودی (ایرانی) و غیرخودی (غیرایرانی) بوده است؛ اما چنانچه به درستی بررسی شود، چنین استنباط می‌شود که اساس آن بر تمایز قومی - زبانی نهاده شده است (مستوفی، ۱۳۵۳: ۴۱۵-۴۰۶).

ماری شیل یکی دیگر از محققان، ایل‌های ایران را به سه گروه نژادی ترک، لک و عرب تفکیک می‌کند. وی ایل‌های ترک را از بازماندگان مهاجمان قبایل ترک ترکستان، لک‌ها را از گروه‌های هم تبار ایرانی اصیل و عرب‌های کرانه‌های خلیج فارس را از نسل اعراب ساکن در سواحل مقابل خلیج و ایل‌های عرب پراکنده در ایران را منشعب از مهاجمان و فاتحان عرب دانسته است. وی فهرستی از ایلات و عشایر ایران را برحسب پراکندگی جغرافیایی‌شان با ذکر خاستگاه‌های قومی و زبانی شمار چادر یا خانوار ارائه می‌دهد (به نقل از بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۲۹).

آن لمبتون نیز در بررسی خود در باب ایلات؛ ایل‌های کوچنده و نیمه کوچنده ایران را در دوره اسلامی به سه گروه بزرگ عرب، ترکمن و ترک و ایل‌هایی که عرب و ترک نیستند تقسیم می‌کند. این محقق، ایل‌های وابسته به اقوام کرد، لر، بلوچ و جیل (گیل) را که پیش از حمله اعراب در ایران می‌زیسته‌اند، از گروه سوم می‌داند (همان، ۳۰).

در طبقه‌بندی دیگری ایلات و عشایر ایرانی بر مبنای زبان رایج میان آنان به شش گروه قومی ترکمن، ترک، کرد، لر، عرب و بلوچ تقسیم شده و ایلات و عشایر وابسته به هر یک از این گروه‌های قومی - زبانی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف سرزمین ایران نام برده شده‌اند. همچنین، برخی محققان به‌ویژه محققان تاریخ اجتماعی ایران، ایلات را بر اساس پیشینه تاریخی و پاره‌ای ویژگی‌های قومی - زبانی و فرهنگی - اجتماعی به پنج گروه بزرگ تفکیک کرده‌اند:

۱) ایلات کرد و لر که سابقه تاریخی آن‌ها هم‌زمان با مهاجرت آریایی‌ها به ایران است؛ ۲) ایلات ترک با پیشینه تاریخی کهن، مانند ایلات قشقایی، شاهسون و افشار؛ ۳) ایلات و طوایف بلوچ و سیستانی؛ ۴) ترکمن‌ها؛ ۵) عشایر عرب‌زبان و چند گروه فارسی یا ترک‌زبان پراکنده در کرمان، خراسان و ایران مرکزی.

به هر روی باید خاطرنشان کرد که در این نوشتار سعی شده است به‌منظور جامعیت و فراگیری، تفکیک جامعه ایلی و هم از نظر پررنگ کردن ویژگی‌های کلی

اقوامی که ایلات به آنها منتسب‌اند، به نوعی تفکیک قومی-زبانی در رابطه با ایلات و عشایر جامعه ایران پرداخته شود. بنابراین، در این مجموعه برآنیم که در حد امکان و حتی‌المقدور بابتی تازه در این زمینه گشوده شود. یادآوری می‌نماییم که به‌رغم دقت و تأملات بسیار در تألیف کتاب، این کار نیز مانند تمام کارها و محصولات انسانی دیگر از نقص و عیب برکنار نیست و در این زمینه دیدگاه‌های اساتید و محققان گرانمایه حوزه علوم اجتماعی، به‌طور اخص و خوانندگان کتاب، به‌طور اعم، با کمال خرسندی و تواضع مورد استقبال نویسندگان خواهد بود.

یعقوب احمدی- رسول ربانی

استادیار دانشگاه پیام نور کردستان- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

فصل اول

تعریف مفاهیم

هدف کلی

آشنایی دانشجو با مفاهیم حوزه ایلات و عشایر و همبسته‌های آن است.

اهداف یادگیری

پس از پایان این فصل دانشجو باید

- با عشایر و انواع آن آشنایی پیدا کند.
- کوچ‌نشینی و انواع و ابعاد آن را شناخته باشد.
- با تعاریف عشایر و مفاهیم حوزه ایلات و عشایر آشنایی پیدا کرده باشد.
- تمایز میان مفاهیم مختلف در حوزه عشایر و کوچ‌نشینی را دریابد.

تعریف مفاهیم یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مرحله انجام تحقیقات اجتماعی است. روشن نمودن منظور پژوهشگر از مفاهیمی اصلی که در نوشته‌هایش موجود هستند از الزامات هر تحقیقی است. بر این اساس مفاهیم دارای ارتباط و قرابت خاص با موضوع کتاب با دقت و ژرف‌نگری تعریف می‌شوند و عده‌ای از مفاهیم نیز در جای مناسب (فصل مربوطه) مفهوم‌بندی خواهند شد.

بر این اساس نخست به تعاریف و مفهوم‌بندی اصطلاح‌های عشایر، کوچ و کوچندگی و مفاهیم مرتبط و یا هم ریشه آن که مفاهیم پایه‌ای اثر حاضر را تشکیل می‌دهند، پرداخته خواهد شد.

۱-۱ عشایر

عشایر جمع عشیره است. واژه عشیره لغتی عربی است که از ریشه «عشر» برگرفته شده است. عشر در لغت به معنای معاشرت و مصاحبت است (ترکمان، ۱۳۶۵: ۳-۴). در اصطلاح عرب، به گروه اجتماعی هم خویشاوند (پدرتبار) که معیشت آن‌ها بیشتر بر پرورش شتر که مبتنی بر کوچ (جابه‌جایی) است، اطلاق می‌گردد. همچنین، عشیره در اصل واژه‌ای است که پس از تهاجم اعراب از زبان عربی وارد زبان فارسی شده و در لغت به معنی برادران، قبیله، تبار نزدیکان و خویشاوندان، دودمان و اهل خانه است.

در گویش مردم مناطق مختلف ایران کلمات مترادف عشیره فراوان یافت می‌شود. به عنوان مثال عشیره را در آذربایجان ایلپاتی و در سیستان و بلوچستان مالدار می‌نامند. به همان سان در گویش‌های دیگر به جای آن کلمات، ایلات، طوایف، قبایل، اویماقات و الوسات نیز به کار می‌رود.

گرچه پیش‌اوقات عشایر را با ملاک اقتصادی و شیوه معیشت آنان تعریف می‌کنند، به این معنا که عشایر به گروهی از مردم جامعه اطلاق می‌گردد که شغل اصلی آنان دامداری است و از طریق پرورش دام امرار معاش می‌کنند، که این پرورش دام خود تابع محیط طبیعی و جغرافیایی بوده و با توجه به وضعیت اقلیمی آب و هوا و چراگاه‌های طبیعی در هر منطقه آن‌ها را به صورت سیار در آورده و مجبور می‌کند تا چند ماهی از سال (پائیز و زمستان) را در مناطق قشلاقی سپری نمایند؛ اما این تعریف نمی‌تواند تعریفی رسا و قانع‌کننده باشد. زیرا دسته‌ای از مردم (کولی‌ها) هم به صورت سیار زندگی می‌کنند، بدون اینکه هیچ‌گونه تعلقی به دام و دامپروری داشته باشند و یا پاره‌ای از عشایر در روستاها از طریق دامداری امرار معاش می‌کنند، بدون اینکه مبادرت به ایاب و ذهاب به ییلاق و قشلاق نمایند و معمولاً در روستاهای مسیر ییلاق و قشلاق ساکن شده‌اند و حتی عده‌ای از عشایر در کنار فعالیت دامداری به فعالیت زراعی و صنایع دستی و سایر فعالیت‌ها مشغولند. در نتیجه به نظر می‌رسد که تعریف عشایر با توجه به معیارهای چندگانه سازمان اجتماعی - سیاسی و کوچروی مناسب تر باشد و بر این اساس، عشایر گروهی از مردم هستند که خود را بر پایه تبار واحد و نیای مشترک معرفی نموده، دارای سلسله مراتبی در ابعاد سیاسی - اجتماعی هستند و

معمولاً به واسطه تربیت و پرورش دام امرار معاش نموده و از طریق کوچ، به دنبال مراتع تازه روانه می گردند.

۱-۱-۱ عشایر کوچنده

به جمعیت و جوامعی اطلاق می گردد که حداقل دارای سه ویژگی زیر باشند:

- ساختار اجتماعی مبتنی بر سلسله مراتب ایلی
 - اتکای اصلی معاش به دامداری متحرک
 - شیوه زندگی مبتنی بر کوچ.
- عشایر کوچنده در چارچوب تقویم زمانی کوچ، هر ساله حداقل دوبار در موعد کوچ بهار از قشلاق به ییلاق و در کوچ پاییزه نیز از ییلاق به قشلاق به همراه تمامی اعضای خانوار و دام اقدام به کوچ و استقرار در قلمروهای مرتعی می کنند.

۱-۱-۲ عشایر نیمه کوچنده

به آن تعداد از خانوارهای عشایری اطلاق می گردد که حداقل در یکی از قطب های استقرار (منطقه ییلاق، قشلاق یا میان بند) دارای سکونتگاه ثابت بوده و همواره تعدادی از اعضای خانوار در سکونتگاه ثابت اقامت داشته باشند.

۱-۱-۳ عشایر رمه گردان

به آن تعداد از خانوارهای عشایری اطلاق می شود که اکثر اعضای خانواده در یک نقطه یا مکان (در داخل قلمرو ایلی و یا خارج از آن) سکونت ثابت اختیار کرده و در کوچ شرکت نمی کنند. در شیوه کوچ رمه گردانی دامها به همراه چوپان و تعدادی از افراد ذکور خانواده جابه جا شده یا کوچ داده می شوند.

۱-۱-۴ عشایر اسکان یافته

خانوارهای عشایری که تمامی اعضای آن در یک مکان ثابت سکونت اختیار کرده و کوچ نمی کنند، اما با توجه به حفظ برخی مناسبات اقتصادی (مالکیت و حقوق

بهره‌برداری از مراتع و منابع قلمرو) و فرهنگی - اجتماعی (احساس تعلق به ایل و عشیره) خود را عضو ایل و طایفه تلقی می‌کنند.

۱-۲ ایل

واژه ایل در لغت به معنای «طایفه، قبیله، عشیره و گروه مردم چادرنشین است» (عمید، ۱۳۵۷: ۲۲۴). ایل واژه‌ای است مغولی و ترکی به معنای دوست، یار، همراه و هم قبیله. واژه ایلات برای نخستین بار در زبان فارسی در زمان ایلخانیان به کار رفته که منظور از آن طوایف صحرائشین و نیمه‌صحرائشین است (نعمانی، ۱۳۵۸: ۴۵۱).

در باب تعریف مفهومی واژه ایل اندیشمندان، محققان و متفکران به نکات متعددی اشاره کرده‌اند. برهان قاطع ایل را به زبان ترکی به معنای دوست موافق و رام می‌داند که نقیض وحشی است (شهبازی، ۱۳۶۹: ۲۴). فسائی در فارسنامه ناصری ضمن تمایز بین ایل و طایفه معتقد است که «ایل مردمانی را گویند که در تمام سال در بیابان‌ها و در چادرهای سیاه زندگی می‌کنند و از گرمسیرات (به سردسیرات) رحله‌الشتاء والصف می‌نمایند» (فسایی، ۱۳۶۷: ۳۰۹).

با توجه به مفهوم‌بندی‌های متفاوت از اصطلاح ایل، می‌توان تعاریف متفاوتی را ارائه کرد. یکی از تعاریف ایل را چنین تشریح می‌کند. مجموعه‌ای از طوایف با زبان و آداب و عادات مشترک در فرهنگ عشیره‌ای که چه در بیلاق و چه در قشلاق، زیر نظر یک ایلخانی یا ایل‌بیگی اداره می‌شوند. همچنین با تأکید بر وجه سیاسی عنوان شده است که «ایل یک واحد سیاسی مستقل و از جهاتی مانند طایفه است با این تفاوت که:

- جمعیت ایل بیشتر از طایفه است
 - ایل‌ها دارای سرزمین بزرگتری هستند
 - رهبر یا رهبران ایل از قدرت بیشتری برخوردارند.
- هر ایل بسته به بزرگی یا کوچکی آن از تعدادی طایفه و هر طایفه شامل تعدادی تیره و هر تیره شامل تعدادی اولاد و هر اولاد از تعدادی خانواده تشکیل می‌شود» (امان‌الهی، ۱۳۷۰: ۱۸۵).

در مجموع می‌توان ایل را چنین تعریف کرد: اتحادیه سیاسی متشکل از تیره‌ها و طوایف عشایری که بنا به وابستگی‌های خویشاوندی و همخونی و یا ضرورت‌های